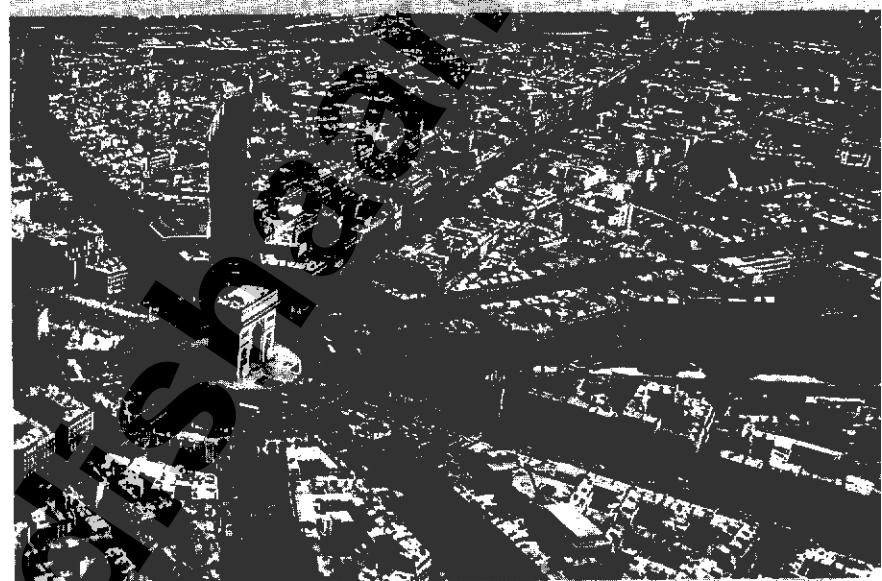
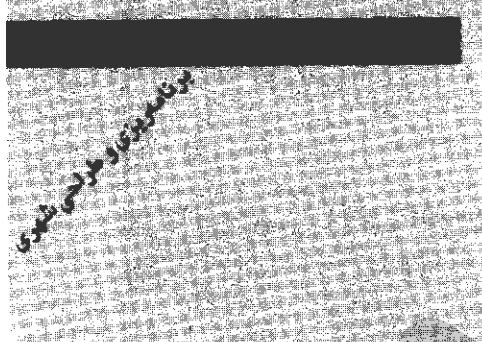


**چکیده**  
از زمان شروع برنامه‌ریزی شهری به سیک جدید در میانه قرن نوزدهم میلادی، طرح نیز موضوع مورد توجه آن بوده است. بعد از جنگ جهانی دوم بخت و اقبال طرح نیز فروکش کرد و طرح‌ها و برنامه‌ریزی جامع مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. به رغم دفاع‌های فصیح و مناسبی که از طرح می‌شد، عمل و نظریه به سمت فرایند رفتند.

به برنامه‌ریزان شهری توصیه شد که به جای نگرش جامع، نگاهی معتلن‌تر به مسائل داشته باشند. نظریه‌پردازان در ابتدا بر تصمیمات و سیس بر گفت‌گو و اقدام ارتباطی تأکید کردند. این وضعیت به طور تنافض آمیزی در کنار این واقعیت قرار گرفت که بسیاری از پیش‌رفت‌ها در سال‌های اخیر تیجه طرح‌ها بوده است.

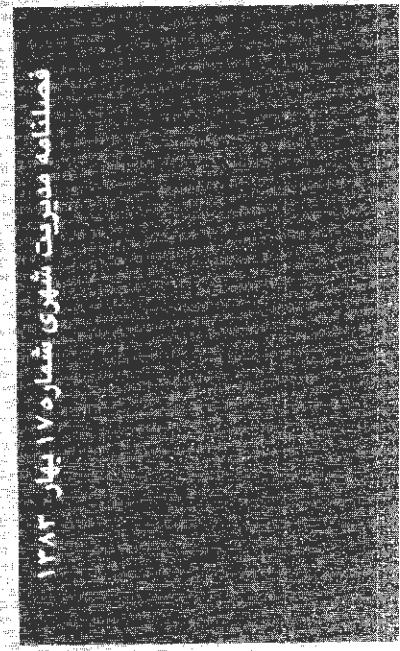
چرا تاکنون بر روی این گرایش تحقیق نشده است؟ چرا نظریه برنامه‌ریزی معاصر معمولاً درباره طرح ساخت مانده است؟ چرا خود برنامه‌ریزان به نفع تصمیمه‌گیری‌های سریع‌تر، برخورد محافظه کارانه‌ای با طرح‌های عمومی دارند و از آن فرار می‌کنند؟ این مقاله، برنامه‌ریزی طرح محور و بدون محوریت طرح را با نگاه به ابعاد نظری و عملی و چشم‌انداز تاریخی آنها با یکدیگر مقایسه می‌کند.

کلید واژه‌ها: طرح، برنامه، نقشه، برنامه‌ریزی طرح محور، طرح سیاستی



## آیا برنامه‌ریزی نیازی به طرح دارد؟

مایکل بیرون  
ترجمه: شهزاد فرزین یاک، ارش سراجی



## آیا طرح مرده است؟

به مدت یک قرن، طرح و نقشه موضوع اصلی برنامه‌ریزی شهری مدرن بود. این وضعیت در اروپا و آمریکای شمالی از زمان شروع برنامه‌ریزی به شکل جدید در نیمه قرن نوزدهم، ادامه داشت. بعد از جنگ جهانی دوم بخت و اقبال طرح نیز افول کرد. طرح‌ها و برنامه‌ریزی جامع مورد انتقاد فرار گرفتند و داشتگاهیان و حرفه‌مندان در مورد ارزش‌های آن تردید کردند (Meyerson and Banfield 1955, Altshuler 1965). با وجود طرح‌های زیبا و دفاع‌های فضیح و مناسبی که از طرح به عمل آمد (Philadelphia City Planning Commission 1960, Kent 1964) برناهه‌ریزی، در حیطه نظر و عمل از طرح به سوی فرایند پیش رفت (Lindblom 1956, Davidoff and Reiner 1962). به برنامه‌ریزان شهری توصیه شد که به جای نگرش جامع، نگاهی معتمد تر به مسائل داشته باشند. بنابراین از اوایل دهه ۶۰ میلادی، طرح جایگاه مرکزی خود را از دست داد و توجه پیشتری به فرایند صورت گرفت. حتی "تیتر" در ارزیابی برنامه‌ریزی در ایالت متحده آمریکا دردهه ۹۰ میلادی - که وی از آن به عنوان "دوران طلایی برنامه‌ریزی در آمریکا" نیز شناخته شد - کوچکترین اشاره‌های به طرح نمی‌کند (Teits, 1996).

چرا طرح و نقشه تنزل یافدا کرد؟ حمله به ایده برنامه‌ریزی جامع و ابزار اصلی آن یعنی طرح، قسمتی از حمله عمومی به عقلانیت ابزاری در علوم و حرفه‌های اجتماعی بود. نقدی‌های بسیاری نیز از جهات گوناگون بر ابزارهای اصلی طرح یعنی منطقه‌بندی و مقررات کاربری زمین وارد شد. سنت گرایان فو و شهرسازان جدید، مباحثه کنندگان و همچنین سیاستمداران محافظه‌کار گزینه‌های خود را برای برنامه‌ریزان، ارائه دادند. پژوهش‌های اخیر در زمینه برنامه‌ریزی، به طور مثال به دست اینز (1995) کمیل و فائیشتاین (1996)، ماندلیام، مازا و بروچل (1996) و مجله "نظریه برنامه‌ریزی" و سمیزویم نظریه برنامه‌ریزی در "مجله تحقیق و آموزش برنامه‌ریزی" (Stiftel 1995) کماکان بر مقوله فرایند تمرکز شدند. تناقض گونگی این شرایط آن است که بسیاری از پیشرفت‌های مهم حاصل شده در همنین دوره، حاصل طرح‌ها بوده است.

### طبعیت مصوّری که تصاویر دارند، به طرح‌ها کیفیتی می‌بخشد که سایر ابزارهای سیاست عمومی اغلب فاقد آن هستند. به دلیل همین

ویژگی‌های است که طرح به عنوان  
بخش مهمی از میراث عقلانی  
رشته ما محسوب می‌شود

## احیای طرح

در کنار از طرح به سوی فرایند، طرح‌های استثنایی حضور خود را نشان دادند. شاید از اولین طرح‌هایی که در آمریکا مورد توجه خاص فرار گرفت، پژوهه طراحی شهری در سال ۱۹۷۱ و طرح مرکز شهر سانفرانسیسکو در سال ۱۹۸۳ با موضوع طراحی شهری بود. طراحی "قطعلات شهری بزرگ" (اصطلاحی که در اروپا به کار می‌رود) با طرح‌های شهری بازی پارک (۲۰۱۰) نیویورک و "دائلندز" در لندن ادامه یافت. طرح شهر جدید سی ساید (۲۰۱۰) در فلوریدا به اولین نشانه شهرسازی جدید بدل شد. در پورتلند واقع در ایالت اورگون (۱۹۷۱) طرح بلند پروازانه‌ای تهیه شد که مشارکت عمومی را به طور جدی در برداشت و جنبه جدیدی به مداخله شهر و دنیا بخشید. این‌چنان برنامه‌ریزی منطقه‌ای (۱۹۸۳) سومین طرح خود را برای منطقه کلان شهری نیویورک با عنوان "منظمه‌ای در خطه" در سال ۱۹۹۶ منتشر کرد. طرح اولیه‌ای نیز برای واسینگتن دی.سی. (کسترس میراث) در سال ۱۹۹۶ به وسیله کمیته برنامه‌ریزی پایتخت ملی (۱۹۹۶) منتشر شد.

نهادها و مؤسسات ملی بر روی برنامه‌ریزی کالبدی تمرکز شدند. مؤسسه معماران آمریکا به تشکیل گروه‌های دستیار طراحی شهری پرداخت و انجمن برنامه‌ریزان آمریکا نیز تیم‌های برنامه‌ریزی تشکیل داد. در همین حال جایزه ملی هنر برای طراحی شهری به مؤسسه شهرداران تعلق گرفت. در سال ۱۹۹۲ میلادی طرح ایالت نیوجرسی و در سال ۱۹۹۴ راهبرد مدیریت توسعه منطقه‌ای سان دیه گو (دو دیدگاه‌های جدیدی را برای حوزه خود، و مدل‌های تازه‌ای را پیش برای برنامه‌ریزی ایالتی و متعلقه‌ای ارائه دادند. این دو طرح همچنین روابط بین برنامه‌ریزی و دولت را دوباره تعریف کردند. نیوجرسی فرایند اماده کردن طرحی را با نام "پذیرش دو سویه" (۲۰۱۰) ابداع کرد که مدلی تکرار شونده و مشارکتی برای بحث و مذاکره بود. در سن دیه گو برنامه‌ریزان محلی، طرح منطقه خود را تهیه کردند. این دو طرح نشان داد که برنامه‌ریزی، با طراحی دوباره نهاده‌های دولتی، می‌تواند راهی برای اصلاح دموکراتیک واقعی بگشاید. به این ترتیب سان دیه گو و نیوجرسی دستورالعمل جدیدی برای برنامه‌ریزی و تحقیق تهیه کردند.

در اروپ طرح‌های نقشه-محور یا طراحی-محور در بردازندۀ تأثیرات پیشتری نسبت به طرح‌های سیاست-محور در دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی بود. همان طور که در آمریکای شمالی نیز در دهه ۸۰ میلادی راهبردها و چارچوب‌ها، روان‌همگانی پیدا کردند. در میانه این کذار، تصویری مشابه برای طرح‌های کالبدی رخ نمود. به عنوان مثال، می‌توان به طرح نوسازی بولونیا (در ایتالیا در دهه ۶۰ میلادی اشاره کرد. در نوسازی بولونیا، برنامه‌ریزان روشی جدید در برنامه‌ریزی مردمی و دموکراسی مشارکتی را ابداع کردند. طرح بولونیا طرحی عمده و بنیادین در ایتالیا و اروپا به شمار می‌آمد. در

لازم است ارتباط  
میان مردم، مکان و  
طرح را بهتر دریابیم  
تا طرح های تواند بیش  
از آنکه پاسخگوی  
قوانين باشد، به  
ساکنان پاسخ دهد

این میان آلدورسی (۱۹۶۶) به قوانین معماری در ساخت شهرها و طراحی کالبدی در هدایت برنامه‌ریزی و سیاست‌ها توجه کرد. در مادرید و بارسلونا، جنبش‌های مردمی شهر را به سمت طرح‌های شهر وندمدار هدایت کردند. معماران، طرح عمومی مادرید را در سال ۱۹۸۵ ریختند که تجدید حیات مرکز تاریخی شهر و آماده کردن زیرساخت‌ها و خدمات در اطراف آن را هدایت می‌کرد. دگرگونی و تغییر و تحول بارسلونا در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی در نتیجه طرح عمومی مادرشهر بارسلونا در سال ۱۹۷۶ بود. راهبرد دروازه رودخانه تایمز (۱۹۷۰) خروج از هنجارهای قانون محور معمول در بریتانیا را خبر می‌داد. اگرچه که این طرح‌ها به عنوان نمونه طرح شدند، اما بعد از سال ۱۹۸۰ تمامی قاره (اروپا) شاهد تجدید حیات راهبردها و طرح‌های کالبدی بود.

آیا وظیفه و هدف این تجدید حیات، تمرکز بر تأثیرات طرح در قلب برنامه‌ریزی است؟ در بعضی موارد طرح ثابت کرده است که ابزار مؤثری برای انجام سیاست‌های شهری و جرقهای برای تغییرات شهری است. در حالی که طرح هنوز عملکردهای سنتی خود را در هدایت تأسیسات شهری و تنظیم پارامترهایی برای منطقه بندي و سایر کنترل‌های قانونی انجام می‌دهد. اهداف جدیدتری را نیز به خوبی محقق می‌سازد. طرح‌های کالبدی از پیش، تصویری گرافیکی از آینده را به دست می‌دهند که می‌توان بر اساس آن به راحتی عمل کرد. شهر وندم و گروههای ذی نفع دوستدار بازگشت طرح هستند؛ و این به آنها اجازه می‌دهد که از قبل "بینند" که چه چیزی در آینده به دست می‌آورند. سیاستمداران نیز که به طرح‌های مورد اجماع عمومی برگزند تا بتوانند از عهده موضوعات مشکل و پرخطر برآیند. برنامه‌ریزان با تهیه این گونه طرح‌ها در حقیقت کار سیاسی انجام می‌دهند. طرح‌ها همانند سند مكتوب مذاکراتی هستند که از زبان حل مباحث استفاده می‌کنند. با طرح مناسب منافع و گرایش‌های گوناگون در تعامل با یکدیگر فرار می‌گیرند و بر سر سیاستی معین با یکدیگر توافق می‌کنند. با این راه هاست که طرح روح تازه‌ای در ایده‌آل برنامه‌ریزی جامع می‌دمد (Innes 1996). این مقاله با مقایسه برنامه‌ریزی طرح محور و برنامه‌ریزی بدون محوریت طرح، چه از لحاظ نظری و چه عملی و در دورنمایی تاریخی، درباره ارائه دعوی تازه‌ای در مورد طرح است.

### سرچشم‌های برنامه‌ریزی شهری مدرن

مورخان برنامه‌ریزی معمولاً سرچشم‌های برنامه‌ریزی مدرن را به طرح هوسمان برای پاریس در نیمه قرن نوزدهم میلادی نسبت می‌دهند (Choay 1989). ولی می‌توان گفت که شروع برنامه‌ریزی مدرن به اواخر قرن نوزدهم و شکل‌گیری جنبش‌هایی برای بهبود وضع مسکن و بهداشت شهری در آلمان، انگلستان و ایالت متحده امریکا، بر می‌گردد. اولین طرح جامع شهری که ادعای داشت به مسائل مورد توجه برنامه‌ریزان معاصر - از قبیل مسکن، محیط زیست، ترافیک، شرایط اجتماعی و بهداشتی، طراحی شهری، تراکم، زیرساخت‌ها و جز اینها - می‌پردازد، به وسیله یک مهندس عمران به نام "ایدفونس سردا" (Edouard Desjardins) در سال ۱۸۵۹ میلادی ارائه شد. طرح او بر پایه تئوری شهرنشینی قرار داشت (Cerdà 1867).

طرح‌های بعدی به این حرفة نو شکل بخشیدند. باع شهر لجورث، نماشگاه کلمبیا در گربت وایت سیتی (۱۸۶۳)، طرح دانیل برنهام و ادوارد بنت (۱۸۷۱) برای سیکاگو در سال ۱۹۰۹، طرح شهر خطی برای گسترش مادرید در سال ۱۸۸۲ به وسیله آرتور سوریا، طراحی والت برای کانبرا در سال ۱۹۱۲ و طرح اتو واکنر برای گسترش وین در سال ۱۸۹۳ نمونه‌هایی از طرح‌های شاخص و برجسته به شمار می‌روند. طرح ۱۹۲۹-۳۰ برای نیویورک و اطراف آن، که انجمن طرح‌های منطقه‌ای تهیه کرد، و طرح لندن بزرگ به دست پاتریک ابرکرامبی (Patrick Abercrombie) در سال ۱۹۴۴ نفاط عطف حزکت این گونه طرح‌ها به شمار می‌آید. طرح‌های پس از جنگ مانند طرح انگلستان (۱۹۱۵) مشهور کپنه‌اگ و طرح قلب سبز هلند در جهت گسترش سنتی بودند. در اوایل دهه ۶۰ میلادی ادموند بیکن طرحی برای فیلادلفیا تهیه کرد که باعث شد عکس او بر روی جلد مجله تایم چاپ شود. سی سال بعد ایده او به طور گستردگی اجرا شد و پیشرفت‌های ماندگار را برای شهر به همراه آورد.

آرمان‌های طرح محور نیز چنین اثری داشتند. کامیلوسیت با کتاب هنر ساخت شهرها (۱۸۸۹)، اینزره اوارد با باغ شهرها (۱۸۹۸)، تونی گارنیه با شهر صنعتی (۱۹۱۷)، لوکوربوزیه با طرح واحد همسایگی (محله) (۱۹۲۵) (۱۹۲۵)، شهر شعاعی (۱۹۳۳) و یک شهر معاصر با ۳ میلیون نفر ساکن (۱۹۲۲) و فرانک لوید رایت با شهر گستردگی (۱۹۳۵) برخی از نمونه‌های در خور توجه‌اند.

متفکران عمده مورد بحث با عباراتی روش و مطمتن اندیشه خود را در مورد اینکه شهر اینده چه وضعیتی باید داشته باشد، نشان دادند. طرح‌های آنان تنها به کلمات یا چکیده نظریه‌ها محدود نمی‌شد و صرفاً بر همان‌ها تکیه نداشت. حتی تئوری سردا نیز مبتنی بر تجربه و بر پایه بیش از ۱۰ سال جمع‌آوری اطلاعات جزئی و تحلیل و مقایسه آنها بود. پیشگامان

برنامه‌ریزی خبارت‌شجاعانه‌ای را که دانیل برنهم در سال ۱۹۰۷ بیان کرد، پذیرفته‌اند (Hall, 1988: 174):

"طرح‌های کوچک به وجود نیاورید. این گونه طرح‌ها جاذبه‌ای برای برانگیختن علایق مردم ندارند، و احتمالاً درک هم نمی‌شوند. طرح‌های عظیم بیافرینید؛ هدف والا در آرزو و کار داشته باشد و بهیاد داشته باشد که یک نمودار باشکوه و منطقی که ثبت می‌شود، هرگز ازین نمی‌رود بلکه مدت طولانی بعد از ما زنده است و از حقانیت خود دفاع می‌کند."

در این مقاله، واژه طرح به ارائه دو بعدی شکل کالبدی شهر اشاره دارد. نمودارهای دو بعدی با ماتک‌های سه بعدی، طرح‌های ترسیمی از سطح زمین و از زاویه دید چشم برند، تصویر و تقویت می‌شوند. استفاده من از اصطلاح طرح، به طرح عمومی، جامع، ساختاری یا راهبردی مربوط می‌شود (مگر جز آن قید کرده باشم)، و نه طرح‌های بخشی و عملکردی مانند طرح حمل و نقل یا مسکن یا طرح برای مکانی خاص و یا پروژه‌ای برای منطقه‌ای مشخص. از جمله، تحلیل‌های دقیقی کفالت‌دی و وان دروالک (1994) و مار (1995) ارائه کرده‌اند (والبته بسیاری دیگر نیز) به تفاوت‌های انواع طرح‌ها توجه دارند.

تصوراتی که از طرح‌های تاریخی در ذهن ما وجود دارند، نشانه‌های این حرفة‌اند. طرح وضعیت و حالتی فهرمانانه گرفته است و افرینندگان طرح، افسانه شده‌اند. طرح‌ها نقش برجسته‌ای در ساختن حرفة و نهاد برنامه‌ریزی شهری ایفا می‌کردد. بیشگامان این رشته، جدایی بین نظریه و عمل قائل نبودند. "شناخت قبل از ارائه طرح" و باغ شهرها از مفاهیم اصلی نظریه برنامه‌ریزی در قرن پیش بوده‌اند. حرفة‌مندان و نظریه‌پردازان و همچنین فرایند و محتوا یکی هستند.

### نوشتار و طرح

در دهه ۱۹۲۰ میلادی، ایالات متحده آمریکا اولین گام را در جهت تضییغ جایگاه طرح با پیشنهاد ایده منطقه‌بندی به عنوان شاخصی از رشد شهر و حومه شهر برداشت. تصمیم دادگاه عالی در سال ۱۹۲۶ (در مورد شرکت توسعه روستای اوکلید و امبلر) قانون منطقه‌بندی مصوب ۱۹۳۴ باعث تغییر تأکید از طرح، طراحی و فرم شهر به منطقه‌بندی، قوانین و کاربری زمین شد. با انتشار سند استاندارد منطقه‌بندی در سال ۱۹۲۸ حقوق‌دان و برنامه‌ریزان به عنوان حرفة‌مندان هدایت کننده شکل‌گیری سیاست رشد شهری، جایگزین طراحان و مهندسان شدند. نوشته تأثیرگذار والکردا (1941) به این جایه‌جایی از طراحی به سمت نوشتار اشاره دارد.

### خطوط واقع بر نقشه‌ها تصمیم می‌گیرند که "چه کسی، چه چیزی را چه وقت و چگونه دریافت کند"

بعد از باستان جنگ جهانی دوم تلاش‌های برنامه‌ریزی ملی در سطح جهان دیگر به سمت تولید ابزارها و وسائل نظامی گرایشی نداشت. با بازگشت سربازان و ملوانان به خانه‌های خود، اولویت برنامه‌ها و برنامه‌ریزی ملی بر برنامه‌ریزی محلی ادامه یافت، همانند وضعیتی که این برنامه‌ها در طول جنگ و فشار پیش از آن داشتند! مردان و زنان شاغل در بخش خدمات و فرزندان آنها نیازمند مسکن و مدرسه بودند. هنگامی که طرح مارشال به اروپای اسیب دیده از جنگ برای بازسازی شهرها و زیرساخت‌ها کمک می‌کرد، بخش دیگری از ظرفیت تولیدی آمریکا برای ساختن بزرگراه‌ها و حومه‌ها و بازسازی شهرها "محروم" با پاکسازی مناطق راغه نشین، به کار گرفته شده بود.

برنامه‌ریزی منی به دلیل مقیاس آن، در مقایسه با طراحی و مکان حساسیت کمتری نسبت به برنامه‌ریزی در مقیاس محلی دارد. این برنامه، برنامه‌های تجدیدپذیر را ترجیح میدهد و به تخصصی کردن برنامه‌ریزی کمک می‌کند. برنامه‌های بزرگراهی فدرال و نوسازی شهری، مشکل شهرها و برنامه‌ریزی آنها را که بر اساس برنامه‌های ملی در آمریکا از دهه پنجم به بعد تهییه شده بودند، پیش بینی کردند. این برنامه‌ها سلطه متخصصان و سقوط افراد همه‌فن حریف را برغم اظهارات افرادی چون حیکویز در "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا" (1961) و مک هارگ در "طراحی با طبیعت" (1969) نضمین کرد. این جدایی در سایر حیطه‌ها نیز به خوبی به وقوع پیوست. به جای نگاه بوم شناسانه به محیط زیست در آمریکا برنامه‌ها و نه طرح‌ها-ی جدا از هم برای هوای پاک، آب پاکیزه، گونه‌های [گیاهی و جانوری] در معرض خطر، سواحل، مناطق سیل خیز، مواد زائد و جز اینها و به وجود آمدند. این گونه نکه نکه شدن و تفرق نشان از نیار به نوعی هماهنگی، از آن دست که در طرح‌های جامع ترکیبی به طور طبیعی موجود بود، داشت.

بعد از اینکه برنامه‌ریزی در زیرمجموعه‌های انتظام یافته، بخش بخش شد، کار بر روی مسکن، حمل و نقل، طراحی شهری، کاربری زمین، محیط‌زیست، توسعه اجتماع محلی و توسعه اقتصادی در دفاتر و یا برنامه‌های جداگانه در کشور

صورت گرفت، برنامه‌ریزی و سیاست عمومی به "بخشی شدن" دچار شده بود (Wildavsky) در این مرحله، تکنیسین‌ها مراکت‌های بزرگ مقیاس را رواج دادند که با منطق ابزاری و تئوری عمومی سیستم‌ها همخوانی داشت و استقرار برنامه‌های ملی بزرگ مقیاس به وسیله مؤسسات ملی جدید را مرسوم کرد. چنین مراکت‌هایی در معرض انتقادات زیادی از لحاظ تکنیکی (Lee 1973) و اخلاقی و هستی‌شناسی (Tribe 1972) قرار گرفتند.

در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم نیروی جدیدی، برنامه‌ریزی را وارد مرحله تازه‌ای کرد. بنگاه‌های خصوصی ساخت و ساز به عنوان نیروهای قادر تمندی ظاهر شدند که افراد محلی تنها می‌توانستند. در مقابل آنها واکنش جزوی نشان پدیدند. این گروه خانه‌های پراکنده در محوطه‌های بزرگ مسکونی (خومه چند تکمای) را شکل دادند که دارای مراکز خرید در چند نقطه بودند. استاندارد کردن طرح‌ها و نقشه‌طبقات، ضوابط ملی ساختمان سازی و تسهیلات مالی آسان، بسازو بفروش‌های شهری را قادر ساخت که به تولید انبوه خانه‌های کوچک و قوطی کبریتی بپردازند و نواحی سنتی را که تا آن زمان هترمندانه ساخته شده بودند، دگرگون سازند. ابزارهای جدیدی مانند ساخت و سازهای واحدی برنامه‌ریزی شده<sup>۱۹</sup> باعث پیشرفت و توسعه هر چه بیشتر بروژه‌های بزرگ مقیاس شدند. تکنیک‌های جدید مناظر جدیدی از خانه‌های پراکنده به وجود آورند، و بدین ترتیب بسازو بفروش‌های شهری بر قدرت‌های محلی نفوذ یافتد و کنترل تراکم‌های محله و سرنوشت شهرها به دست آنها افتد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که برنامه‌ریزی و طرح‌های عمومی راهنمایی هستند برای دست‌اندرکاران ساخت و ساز در شهر، مهندسان بزرگراه‌ها، کارمندان فدرال نوسازی شهری، متخصصان محیط‌زیست و گزارش‌های تأثیرات زیست‌محیطی و حقوق دانان، متونی مانند کتاب برنامه‌ریزی سایت از کوین لینچ (1962) و قانون برنامه‌ریزی زمین در امریکا از نورمن ویلیامز (1974) بر تمام نسل‌ها تأثیر گذاشتند، در حالی که کتاب طرح عمومی شهری از کنت (1964) از نظر دور ماند. تصمیمات دیوان عالی و برنامه‌فدرال بیش از طرح‌های عمومی جدید نظر برنامه‌ریزان را به خود جلب کرد. طرح‌هایی که تهیه می‌شدند از طرح‌های کالبدی قبلی متفاوت و متمایز بودند. این طرح‌ها، طرح‌های سیاستی بودند. انباسته از اهداف کلان، اهداف خرد، سیاست‌هاء، معیارها، استانداردها و برنامه‌ها و همچنین نمودارها، شکل‌ها، طرح‌ها و ماتریس‌ها. این طرح‌ها معمولاً فاقد تصویرهای گرافیکی با پیشنهادهایی برای فرم شهری بودند.

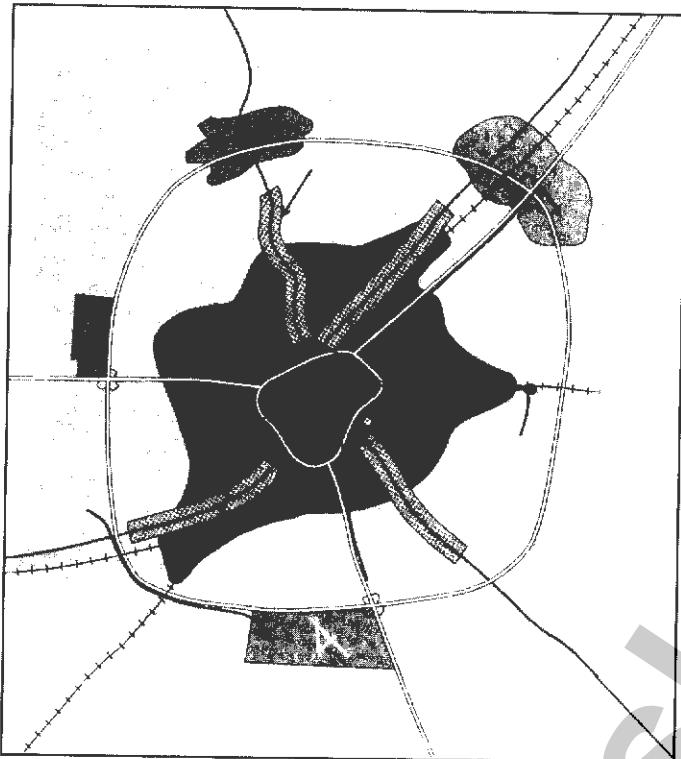
برنامه‌ریزی از الگوهای سیستمی و روش‌های کمی - که با سیاست‌ها، نهادها و سایر عوامل بیرونی سروکار داشت - بهره گرفت. فن سالاری جدید برنامه‌ریزی، اصول سلسله‌مراتب و هماهنگی را (طرح- برنامه- بودجه- طرح- مقررات-

مجوز؛ سطوح ملی- ایالتی- منطقه‌ای- محلی) با ترتیبی خطی پذیرفت و به کار گرفت. بعضی از نظریه‌پردازان هم این روش را بی‌گرفتند (Chadwick 1964; McLaughlin 1964; Chadwick 1974) طرح را نویسنده‌گانی مانند برایان بری مورد حقو و تمسخر قرار دادند. وی در کتاب "نکاتی در سفر به سرزمین طرح" (Berry 2011) به برنامه‌ریزان مانند "کشیشانی" نگاه می‌کند که در خدمت خدای سرزمین طرح یعنی طرح هستند (Jacobs 1978). حرفة‌مندان پیشرو یا طرح‌های عملکردی را برگزیدند (Jacobs 1978)، یا برنامه‌ریزی عادلانه را به جای طرح جامع انتخاب کردند (Krumholz 1978). حدوداً در همان زمان انقلاب‌آرامی در برنامه‌ریزی ایالتی صورت گرفت که نقص‌های جدیدی به برنامه‌ریزی و دولت ایالتی داد. برنامه‌ریزی ایالتی معمولاً طرح‌هایی را تعین می‌کرد که مملو از اهداف کلان، اهداف خرد، معیارها و استانداردهایی بودند که تابع قوانین دولتی بودند. خلافیت، مذاکره و طرح‌های کالبدی برایه طراحی اشکارا در این رویکرد برنامه‌های نادیده گرفته شدند.

نظریه برنامه‌ریزی در این دوره اگرچه زاینده بود، ولی نسبت به اینکه چه چیز برنامه‌ریزی است، شبیه داشت. (Alexander 1984) مباحثات دوپوشی به نظریه خلاصه می‌شد: محتوا در برابر زمینه، عقایلی در برابر سیاسی، جامع در مقابل رشد یابنده، کل در برابر فرایند. یک چیز مشخص و واضح است و آن اینکه نظر و عمل از هم مجرزاً بودند. کاستنلز ظهور این افراد را پیش‌بینی کرده بود (1978).

حرفه‌مندان برای انجام کارهای شان از واقعیت‌های شهری بهره می‌گیرند و نه از نظریه‌ها. یکی از این واقعیت‌ها خود دولت است. در گیرشدن اکثر سطوح دولتی، افزایش سرماسام اور مجوزهای فانوونی تکثیر و ازدیاد برنامه‌های، خرد شدن و تخصصی شدن مؤسسات در میان رشته‌های حرفه‌ای فرعی و ورود گروههای جدید ذی نفع، باعث پیدایش تصویری از برنامه‌ریزی شد که کوتاه زمانی پیش عجیب و نااشنا بود. به این ترتیب بود که هماهنگی اهمیت بسیار زیادی یافت (Bosselman, Feurer and Sirmon 1976).

هماهنگی و تناسب ایده جدیدی نبود. در سال ۱۹۱۱ پاتریک ابرکرامی به "ضرورت" همکاری اشاره کرد. تلاش‌های اولیه برای هماهنگی از مدل سلسله‌مراتبی در سطح اقدام فدرال پیروی می‌کرد. بعدها "انقلاب ارام" مداخله دولت در کاربری زمین و رشد مدیریت هم این قالب را نشکست. فلوریدا مظہر برنامه‌ریزی ایالتی در دهه ۸۰ و ۷۰



است. قوانین فلوریدا "سازگاری" بین طرح‌های محلی، منطقه‌ای و ایالتی را اجباری کردند. قوانین جامع و تفصیلی و مقررات به دقت مشخص شدند. در این میان جای چندانی برای تغییر یا تفسیر وجود نداشت و این خود برنامه‌ریزی محلی را تضعیف می‌کرد (Baswell and Stifel, 1996). قوانین اجازه بروز تفاوت‌ها را نمی‌دادند. هماهنگی در واقع رویه‌ای بود که معیارهای آن از بالا تعیین و تجویز می‌شد. با این روش، برنامه‌ریزی آمریکایی به تلاش‌های اولیه در نظام اداری به شدت متتمرکز و سلسله مراتبی اروپا شکل گرفته بود شبیه شد. مانند فرانسه، ایتالیا و اسپانیا. این گونه بود که محدودیت‌های اموزه سازگاری، مشخص گردید (Dimentro, 1980).

سازگاری و سایر رهیافت‌های خشک، با پیچیدگی و سرعت تغییر در شهرها و اداره آنها همراه شد. علاوه بر این شیوه‌های جدید زندگی که در آنها انعطاف و تحرک شرط است، رشد پیدا کرد. برنامه‌ریزان از طریق تعیین قلمرو و دامنه برنامه‌ریزی با این توسعه‌ها و فواید پیش‌بینی کردند. آیا تنها سازگاری کافی بود؟ آیا به طور کلی فرایند کفایت می‌کرد؟ بعضی‌ها اصرار به بازگشت به برنامه‌ریزی کالبدی و طراحی شهری داشتند (Jacobs and Appleyard 1987). دیگران بر تکیه بیشتر بر سیاست‌ها تأکید داشتند (Low 1991). نقد دیوبدوی که بر ارائه خواسته‌های مطرح نشده اصرار داشت، شروع به Krumholz & Forester 1990

تنظیمات نهادی کرد (Clavel 1986). فرایندها خواسته‌ها و منافعی را در بر می‌گرفتند که قبلاً نادیده گرفته شده بودند. شهروندان و سایر گروه‌های ذی نفع سازماندهی شده (برای مثال، محله‌ها، انجمن‌ها، زیست محیطی و گروه‌های دست‌اندرکار ساخت و ساز) از این وضع سود برداشت. ضوابط برنامه‌ریزی برای الزامی کردن مشارکت عمومی دوباره بازنگویی شدند، که از جمله آنها فواین تنکرل تاثیرات زیست محیطی و حمایت از گونه‌های در معرض خطر بود.

وارد کردن گروه‌های ذی نفع این نتیجه پیش‌بینی شدنی را داشت که تضادها افزایش یابد. با معرفی منافع جدید (و در نتیجه تضادها) ارتباط سیاست‌مداران با این مباحث بیشتر شد و آنها نقش مهم‌تری برای برنامه‌ریزی قائل شدند. برنامه‌ریزی اول اخبار بود. این پیشرفت‌ها با نظریه برنامه‌ریزی هدایت نمی‌شد بلکه برنامه‌ریزان با داشتن محلی به موقعیت‌های محلی واکنش نشان می‌دادند. در مواجهه واقعیات جدید، برنامه‌ریزان جدیدی به وجود آمدند (Innes, Gruber, Neuman and Thompson 1999) و نوع آنها ثمر بخش بود.

همانگی، از سازگاری اجباری از بالا به پایین و پذیرش خشک به سمت پذیرش دو طرفه و داوطلبانه طرح‌ها از طریق مقایسه و مذاکره حرکت کرد و این روش "پذیرش دوسویه" نام گرفت (New Jersey State Legislature 1986). نصوص حاکم بر هماهنگی، زان پس دیگر مخصوصاً از بالا به پایین با پایین به بالا نبود بلکه به جوانب نیز توجه داشت. حرکت متناوب به تمام جوانب، معرف چرخه‌ای موفق از مذاکرات چند جانبی و هماهنگی مطلوب است. جلب توافق عمومی، شعری نازه بود (Susskind and Cruikshank 1987, Ozawa 1991). با توسعه اقدامات همراه با اجماع عمومی، برنامه‌ریزان اندیشه اجماع تعریف شده را پذیرفتند. تأکید بر رسیدن به اجماع ناگزیر به تنوع‌ها طبیعی و ناهمگونی‌های درونی در جوامع تکثیر کر اجازه ظهور داد. برنامه‌ریزان به رویکردهای عملی تر روی آوردند (Blanco 1994). تعامل همه جانبه فردهای شبکه‌ای شده ساختار سرزمینی و نهادی را که برنامه‌ریزی با آن مرتبط است، منعکس می‌کرد. به عنوان مثال در تجربه برنامه‌ریزی نیوجرسی، قوانین فلوریدا عوض شدند تا به نظریه پذیرش دوسویه اجازه عمل داده شود. "همکاری، تعاون و اجماع نظر" به جای "جامعیت، تداوم و هماهنگی" نشستند.

از حدود سال ۱۹۶۰ تا ظهور سنت گرایان جدید "فرایند" به جای مکان مورد تأکید قرار گرفت. اینکه چگونه طرح ریخته شود و برای چه چیزی نه، ذهن برنامه‌ریزان را به خود مشغول کرد. طرح‌ها با نوشتارها اعداد به جای نقشه‌ها و طرح‌ها پرشدند. پس بینی آینده مکان‌های برنامه‌ریزی شده به دلیل ابهام اطلاعات آماری و نحلیل‌های کمی،

دشوار گردید و اجرا نیز به عنوان یک موضوعی جدی مطرح شد (Pressman and Wildausky 1973). دو گانگی اجرا در عمق طرح های کمی زایده شد. چگونه یک ماتریس را می توان اجرا کرد؟ طرح های سیاستی نیز وضعیت بهتری نداشتند. چگونه می توان هدف یا سیاستی مبهم را اجرا کرد؟ نتیجه دیگر جایگزینی مکان با فرایند، جداسازی رشته هایی بود که زمانی با برنامه ریزی شهری و منطقه ای پیوند عمیق داشتند. این رشته ها به مطالعه اهداف برنامه ریزی می پرداختند: حرف افیا، جامعه شناسی شهری و روستایی، علوم منطقه ای، معماری و تاریخ شهری. هنگامی که برنامه ریزی با فرایند درهم آمیخت و از شهر دور شد، با این حال تلاش برای حفظ ایده آل جامع آن باقی ماند. در این زمان آنچه ایده آل می نمود تقریباً به طور کامل از محتوای خود جدا شد. برنامه ریزی نیز دیگر در شهرها عمل نمی کرد بلکه در سایر مؤسسات و نهادها فعالیت داشت.

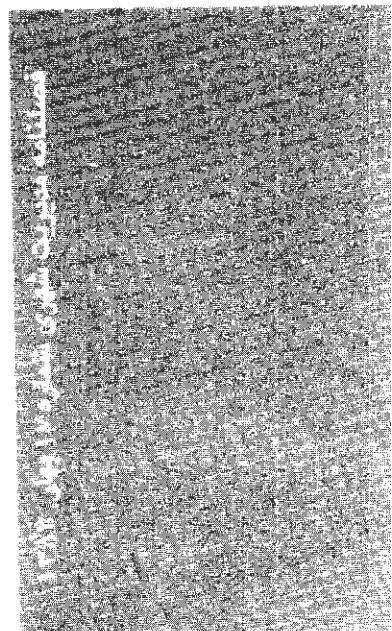
### یک پارادایم دیگر

وقتی که برنامه ریزی برای مکان ها بار دیگر برجسته می شود، می توان چندین طرح نمونه و آرمانی تشخیص داد که در عمل بسیار شاخص اند. یکی از این نمونه ها طرح کالبدی است، که در مقایسه طرح های شهر گرایان جدید با طرح های طراحان شهری متقدم، ویژگی های آن مشخص می شود (Nolen 1916, Hegemann & Peets 1922). دیگری طرح راهبردی است؛ گرایشی که از مدارس مدیریت (Porter 1980, 1985) (Bryson 1988) اکنون به بخش عمومی وارد شده است. آنچه را که طرح های راهبردی بخش عمومی بی می گیرند، ساختار بندی مجدد، خصوصی سازی، دولت به عنوان نوعی بنگاه، و خدمات به مسئلی است (Osborne and Gaebler, 1992). راهبرد فضایی در بخش عمومی معمولاً به بازاریابی شهری تغییر شکل می دهد (Kearns and Philo 1993). طرح سوم شامل طرح های زیست محیطی و اجتماعات محلی است که دامنه گسترده ای از منافع و گروه های ذی نفع را در بر می کشد. مثال آن شامل طرح های حفاظتی هیبتات برای محافظت از گونه های در معرض خطر و طرح های محلی است که با همکاری شرکت های توسعه اجتماع محلی در هسته قدیمی شهر صورت می گیرند. وجه مشترک این سه نوع طرح، تمرين رهبری از طریق "بینشی" (است) که می تواند به اشتراک گذاشته شود" که عبارتی است به عاریت گرفته شده از نوشته فیث مورای در زمینه ای دیگر (Firth Murray, 1995). تجربه نشان داده است که بعضی از طرح ها اثنا ناچیزی دارند، بدتر اینکه بعضی طرح ها اگر به قدرت وصل نباشند در حاشیه قرار می گیرند. طرح ها توسعه را محدود می کنند و به "بازار آزاد" شده اند: طرح ها، در مقابله با نگرانی های روزمره بسیار کلی و آینده گرا هستند. طرح ها برای آماده شدن وقت زیادی می برند و وقتی که تصویب شدند، تحت سیطره و قایع روز قرار می گیرند. طرح ها تلاش دارند به نتایج متعدد برسند و نهایتاً کار چندانی انجام نمی شود. این نکته ها تاریخچه ای طولانی از مباحثاتی را که دوباره احیا شده اند، دارند (Blanco 1994, Luey 1994; Innes 1996, Multari 1996,...).

اخیراً نظریه پردازان تمایل به ابعاد قیاسی و ارتباطی برنامه ریزی و سیاست پیدا کرده اند. برخی انشعابات به اهمیت وقایع پردازی و استعاره ها [۲۱] اشاره کرده اند. بعضی ها اقدامات انجام گرفته در عرصه برنامه ریزی و سیاست را به تأثیرات فرهنگ مدنی (Putnam 1995)، فرهنگ نهادی (Douglas, 1986) و فرهنگ سیاسی و فرهنگ برنامه ریزی (Mangada 1984) نسبت می دهند. همزمان نویسنده گان معروف و مشاوران به بمباران لفظی با عباراتی چون " بصیرت" ، "اختراع مجدد" ، "تفکر دوباره" ، "مهندسی دوباره" ، "ساختار بندی مجدد" و "کوچک سازی" پرداختند. وقتی که دنیا تغییر کرد، چیزهای بزرگ و عظیم الجثه [۲۲] ای مصرف شدن و سلسله مراتب نیز از مد افتاد. در برنامه ریزی، دامنه گسترده ای از روش ها و نظریه ها برای پر کردن این شکاف ها با یکدیگر و قاتم می کنند که، در کل گونه هایی از هماهنگی بدون سلسله مراتب (Chisholm 1989) در جامعه شبکه ای هستند. "بام" (Baum 1996) حداقل چهار نوع فرموله کردن نظریه برنامه ریزی را نشان می دهد. در میان این هیاهو، اعلام وجود یک پارادایم جدید، جالب توجه است (Innes, 1995).

### تحول سه نظریه کلاسیک برنامه ریزی

راه دیگر برای نشان دادن دوره و مسیر طرح ها، تحلیل تغییر متون اصلی در طی زمان است در اینجا بد نیست سه متن از امریکای شمالی بررسی گردند. پژوهشگران سایر ملت ها نیز می توانند این تحول را در مجموعه های خودشان پیگیری کنند. کتاب هایی که در اینجا بررسی می شوند، ویرایش های مختلف "کتاب سیز" از انجمن مبنی اعلی مددیریت شهری [۲۳] اکنون با عنوان تجربه برنامه ریزی دولت محلی، برنامه ریزی کاربری شهری از استوارت جپن و



برنامه ریزی شهری با ویرایش جان نولن هستند.

"برنامه ریزی شهری" در سال ۱۹۱۶ به وسیله انجمن ملی شهرداری‌ها [۲۴] به چاپ رسید و شاخصه برنامه ریزی امریکا شد. ویرایش دوم آن در سال ۱۹۲۹ منتشر شد. تنها هدف کتاب تشریح چگونگی آماده کردن یک طرح شهری بود که امر ناگزیر و لازم برنامه ریزی است. سپس در عنوان فرعی "مجموعه نوشته‌های ارائه شده درباره عناصر لازم یک طرح شهری" این موضوع واضح تر بیان شد. فردیک لاو اولم استاد این طرز فکر متداول را در مقدمه کتاب تشریح کرد. هوبت پیچیده موضوع و فقادن محدودیت‌های تعریف شده در مورد محتوای آن، باعث تقویت جاذبه‌های آن برای تصویر سازی شد. طرح بر برنامه ریزی سلطه داشت و این تنها نکته اصلی این کتاب بود.

دو ویرایش اول کتاب سبز انجمن بین‌المللی مدیریت شهری که سیس عنوان آن به "اداره برنامه ریزی محلی" تغییر کرد، طرح را به عنوان اصل سازمان دهنده [۱۹۴۵] Menhimick (1941: Segoe 1941) در نظر گرفت. در ویرایش سال ۱۹۵۹ که به وسیله "ماری مک‌لین" صورت پذیرفت، عمده‌تاً از زبان ویراستاران قبلی در فصل مقدمه بهره گرفته شد. هنوز هم با خواندن این کتاب و مرور ساختار آن، حرکت از توجه به طرح تا تأکید برهم طرح و هم فرایند، نمایان می‌شود. مک‌لین اولین فصل را با این عبارت به بیان می‌برد: "مسافت اساسی و عمده‌ای که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: روشنی که با آن شهر سازمان می‌یابد و قدم‌هایی به سمت ایجاد طرح جامع بر می‌دارد و کمی مهم‌تر از آن رویه‌هایی است که حل‌چرخ را در کپ‌پذیر می‌سازد." (Mc Lean, 1959: 22).

اصل سازماندهی برنامه ریزی شهری دورتر شده‌اند و هریک تنها یک بخش در این خصوص دارند. شاید هیچ متن دیگری، تقسیم‌بندی و علمی کوden برنامه ریزی و نزول طرح جامع طراحی محور را بهتر از آنچه استوارت چیسین در شاهکار خود به نام "برنامه ریزی کاربری زمین شهری" تشریح کرده است، در خود نداشته باشد. این کتاب شیوه برنامه ریزی را که در امریکا اعمال شده بود، با انتقال هسته برنامه ریزی از طراحی به کاربری زمین، تغییر داد. به این ترتیب حرکت از "واحد پیچیده" شهر به واحد‌های تقسیم‌بندی شده‌زمین‌های ساخته شده و ساخته نشده آغاز گردید، که این زمین‌ها یا دارای زیرساخت و ساختمان بودند و یا نوع کاربری و تراکم آنها مشخص بود.

تنوع در ابزارهای مورد استفاده برنامه ریزان در سال‌های اخیر، این حرف را غنی تر  
کرده است: اما برای دستیابی به حد اکثر کارایی و استفاده از پایه‌های قانونی مطلوب،  
لازم است این ابزارها با طرح ارتباط برقرار کنند. به هر حال این طرح است که به  
 برنامه ریزی [طرح ریزی] نام می‌بخشد

چیسین از منطق تناسب کاربری زمین، به عنوان راهنمایی برای محاسبه عرضه کاربری زمین و همانکه کوden آن با تقاضا بهره گرفته است. همان‌گونه که کتاب اشاره می‌کند، برنامه ریزی کاربری زمین بخشی از برنامه ریزی جامع است که تجزیه و تحلیل کمی را در تحلیل طراحی مورد تأکید قرار می‌دهد. نسخه‌های بعدی کتاب کمی تر شدند (Chapin 1957:1965; Chapin and Kaiser, 1979; Godschalk and Chapin 1995).

بخشی از موفقیت کتاب از این امر ناشی می‌شد که مبنای کاربری زمین (در مقابل مبنای کل شهر) با شیوه‌ای که نهادهای امریکای شمالی با دارایی‌های منقول برخورد می‌کنند (استناد زمین، قوانین، منطقه‌بندی) همخوانی پیشتری داشت. علاوه بر این کمی شدن فزاینده مدل‌های کاربری زمین چیسین، یا کمی شدن فزاینده علوم اجتماعی و حرفه‌های وابسته به خوبی همانکشید. این اصول به دلیل روش شناسی جهان شمول و تکرار پذیر آن تا دور دست‌ها و در سطحی وسیع گسترش یافت. تقسیم‌بندی زمین به کاربری‌ها و سایر دسته‌های تجزیه و تحلیل بر فناوری‌های نظارتی گوناگونی که در کنترل زمین مورد استفاده قرار می‌گرفت، افزود. عنوانی متومن قانونی اصلی برنامه ریزی در امریکا پس از ۱۹۷۰، گواهی است بر این موضوع (Hagman 1971; Rohan 1977; Mandelker and... 1979). با مدل کنترل کاربری زمین، برنامه ریزی از ذهنیت تفکیک شده و فاتحانه بهره گرفت که با ذهنیت طرح‌های فیزیکی سابق متفاوت بود.

#### قدرت روایا

ورزشکاران برای تحقق روایاهای خود به بازیهای المپیک می‌آیند. در بازی‌های ۱۹۹۶ آتلانتا آهنگی با مضمون "قدرت روایا" خوانده شد که علاوه بر به تصویر کشیدن عملکردهای ورزشکاران در سطح جهانی، بیش از رقابت‌آنان، در ذهن ایشان تصویر ذهنی قوی برآورده شدن ایجاد می‌کرد.

این تصاویر آنان را به تمرين در سطوح خارق العاده و رسیدن به سطوح ابر انسانی در تمرکز، اعتقاد و نظم تغییب می کرد. طرح های قانع کننده نیز قدرت رؤیا را دارند. تصاویر و پندارها از جمله مواردی در این طرح ها هستند که می توانند اذهان را برانگیزنند، آرزوها را بیدار کنند و الهام بخش فعالیت ها باشند (Lyndon and Moore 1994; Hall 1988; Boulding 1956; Burnette 1973).

طبیعت مصوری که تصاویر، طرح ها و نقشه ها در طرح ها دارند، به طرح ها کیفیتی می بخشد که سایر ابزارهای سیاست عمومی اغلب فاقد آن هستند. به دلیل همین ویژگی هاست که طرح به عنوان بخش مهمی از میراث عقلانی رشته ما محسوب می شود. اما چرا اخیراً چیز زیادی در مورد این مزیت طرح نوشته نشده است؟ (به عنوان استثناء، Black 1997).

تصاویر، ظرفیت طرح را برای تغییر ذهنی افراد ارتقا می دهند و طرح هارا به نهادهای سیاسی تغییر مبدل می سازند. بهره گیری از تصاویر همچنین برنامه ریزان را قادر می سازد تا از شبکه های رسانه ای قدرتمند بهره برداری کند. ما در فرنگی به سر می برمی که تصاویر بر اقبال تسلط دارند و آن را تعیین می کند

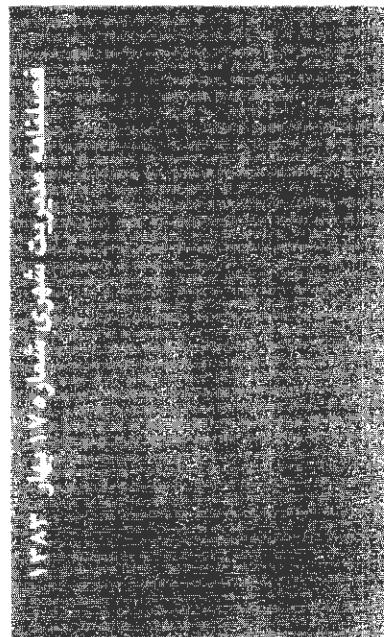
با این همه تصاویر در برنامه ریزی به طرح ها محدود نمی شوند و خلق آنها منحصر به کار برنامه ریزی نیست بلکه از برنانگیزترین تصاویری که در حرفه ما شکل گرفته "الیه شهر" ۲۵۱ است (Gerreau 1991). این تصویر دقیقاً به این علت پذیرفته شده است که در زمان حاضر پدیده ای را که برنامه ریزان با آن مواجهاند تسخیر کرده است. مشکل به متخصصان خارج از این حرفه منتقل شده است: "شبکه ای از دانه های پراکنده"، "مناطق کلان شهری چند مرکزی"، "پهنه های پراکنده"، "ابیوه سکوتگاهها" و جز اینها.

در جمع بندی کلی، طرح ها و تصویرها دستور کار تحقیقی را برای تحلیل کنندگان به وجود می آورند و دستور کار فعالیتی را برای اجرا کنندگان، چارچوب چنین دستور کاری در ادامه آمده است. با بهره گیری از این معیارها می توان راه جدیدی را که به طرح ها خصوصیت متفاوت از شکل پیشین آن می دهد ارزیابی کرد. کار با ارزشی در زمان حاضر در این زمینه شروع شده است. مطالعات دقیق در مورد توسعه طرح - محور (Healey 1990; Healey et al 1997) و دکترین برنامه ریزی طرح - محور (Faludi and Van der Valk 1994) نشان می دهد که طرح ها تأثیرات گسترده عمیقی داشته اند. برای مثال، تفاوت میان طرح های راهبردی که تغییر را موجب می گردند و طرح های نظارتی که وضع موجود را حفظ می کنند (Mazzu 1995)، به ملاحظات بنیادین اشاره دارد.

### طرح ها ارزوی جمعی را ترسیم می کنند

طرح ها به برقراری ارتباط میان مردم و مکان ها، از طریق گردهم آوردن آنها برای شکل دادن به سرنوشتی مشترک به مکان ها و خودشان، کمک می کنند. در انجام این کار، طرح ها گذشته، حال و آینده را به موقعیتی دلخواه می رسانند. طرح در واقع تاریخ و داستان مکان است. علاوه بر این ضروری است تا بشر به عنوان موجودی خاکی، مکان خانه خود را برای بقا و رفاه خود کنترل کند. طرح باستی معنای اصلی بیان کنترل باشد، زیرا که طرح تنها مفهوم زمین - مبنایست که با واحد مکان سروکار دارد. لازم است تا ما ارتباط میان مردم، مکان و طرح را بهتر در باییم تا طرح های بتوانند بیش از آنکه پاسخگوی قوانین باشند، به ساکنان پاسخ دهند (Boyer 1997; Hayden 1995; Schama 1995; Violich 1997).

طرح ها برای وصف ارزوهای جمعی از تصاویر مکان بهره می گیرند تصاویر داستان های استعاری، طراحی ها و نقشه ها، تصاویری را در چشم ذهن نقاشی می کنند. کنت بولدینگ (Lynch 1981; Newman 1996) نشان داد که وقتی تصویر ذهنی عوض می شود، ذهنیت نیز تغییر می کند. تصاویر، ظرفیت طرح را برای تغییر ذهنی افراد ارتقا می دهند و طرح هارا به نهادهای سیاسی تغییر مبدل می سازند. بهره گیری از تصاویر همچنین برنامه ریزان را قادر می سازند تا از شبکه های رسانه ای قدرتمند بهره برداری کند. ما در فرنگی به سر می برمی که تصاویر بر اقبال تسلط دارند و آن را تعیین می کنند. هرچه بیشتر درباره انواع تصاویر به کار رفته در طرح ها و برنامه ریزی بدانیم، موفق تر خواهیم بود.



طرح‌ها کانون‌های برخورد هستند

طرح‌های جامع، مردم، رشته‌ها، عملکردهای شهری، مشکلات، منافع و ایده‌های گوناگون را در مجموعه‌ای نهادینه گرد़هم می‌آورند. وقتی این موارد با هم اختلاف پیدا می‌کنند، طرح‌ها کانون برخوردها می‌شوند. برخورد بخش ضروری بر تابههای ریزی و سیاست است. بدون برخورد، طرح‌ها و برنامه‌های ریزی به موضوعی غیر سیاسی بدل می‌گردند و بنابراین بی‌مفهوم می‌شوند. طرح‌ها می‌توانند برای تنظیم دستورکارها و رفع برخوردها مورد استفاده قرار گیرند، زیرا آنها "متون مجرد" ایده‌آلی هستند که مشارکت کنندگان در ساخت طرح برای تصمیم سازی به آن تکیه می‌کنند (Moore 1986; Forester 1989). اگر تکیه طرح به واقع تکثیرگرا و مشارکتی باشد و نه تنها "فراهم اوردن پاسخ کارکنان به دیگران"، آن گاه می‌تواند اجتماع محلى را برایه اصول اجتماعی، فکری و سیاسی آن بسازد.

طرحها قدر تمدنند، زیرا در ساختار قدرت ساخته می‌شوند

طرح باستگر گرفتن در نهادهای حکومتی، اختیار زیبادی به دست آورده است. طرح‌ها هم "بنیادین" و هم "تنظیم کننده" (Griffith in 1995). ایا طرح‌ها هنوز به پتانسیل کامل برای تغییر که از این موقعیت قدرت نشأت می‌گیرد، دست نیافتا ماند؟ واضح است که سازندگان طرح بایستی از سیاست‌ها و نهادها سردرباورند (Christensen in 1993). علاوه بر این، لازم است آنها از فدرت نهادی خودشان آگاه باشند و علاوه بر دارا بودن دیدی انتقادی، توان "صحبت درست با قدرت" را داشته باشند (Wildavsky in 1979). با این حال، این حرفة مدت‌هast است که به اهمیت سیاست پی برده است. حرفهمدانان اغلب هنوز در رقابت سیاسی با کنار گذاشته شدن دست وینچه نرم می‌کنند. بنابراین نقدهای ادواری هنوز طیین انداز هستند، حتی با وجود اینکه پیغامی حیاتی را تکرار می‌کنند (... 1973; Wildasky 1955; Altshuler 1965; Meyerson and Banfield 1955). چطور تحقیق می‌تواند در انجام این تعهدات به راستی به برنامه‌بریان کمک کند؟ آیا برنامه‌بریان خط‌الول می‌تواند به شکلی کارآمدتر در طراحی تحقیق شرکت کند؟

طرح‌ها حرفه و نهادهای برنامه‌ریزی را ساخته‌اند

این مقاله ترجمه‌ای است از  
Does Planning Need The Plan?  
نوشته Michael Newman  
برگرفته از APA, Vol 64, NO.2, 1998

یانوشت

- 1- urban pieces
  - 2- Battery Park City
  - 3- Seaside
  - 4- Oregon
  - 5- Regional Plan Association
  - 6- National Capital Planning Commission
  - 7- Cross-Acceptance
  - 8-Bologna
  - 9- Aldo Rossi
  - 10- Thames River Gateway Strategy
  - 11- Ildefons Cerdà
  - 12- Great White City
  - 13- Daniel Burnham And Edward Bennett
  - 14- Abercrombie
  - 15- Finger Plan
  - 16- Art of Building Cities
  - 17- Plan Voisin
  - 18-Village of Euclid v. Ambler Realty Company
  - 19- Planned Unit Developments
  - 20-Notes on an Expedition to Planland
  - 21- metaphors
  - 22- behemoth
  - 23- International City Management Association
  - 24-National Municipal League
  - 25-edge city
  - 26-Kenneth Boulding

**خطوط قدرت:** خطوط واقع بر نقشه‌ها تصمیم‌می‌گیرند که چه کسی، چه چیزی را چه وقت و چگونه دریافت کند. طرح‌های شهری و ضوابط پنهانی بندی اشکال متمایزی دارند؛ نقشه‌ها خطوطی دارند که مرزها را مشخص می‌کنند. غالباً محققان این ویژگی را به رغم اهمتی که دارد نادیده می‌انگارند. حرفة‌مندان عایقیت طلب تلاش می‌کنند که از ترسیم خطوط سریاز نزنند، زیرا این خطوط تضاد و خشم را بر می‌انگیرند. اگر هارولد لاسول برنامه‌بریزی شهری را مطالعه کرده بود، فعلماً عبارت "در کجا" را هم به عنوان مقاله "سیاست: چه چیزی را در چه زمان و چگونه دریافت می‌کند"، اضافه می‌کرد (Laswell, 1936). با توسعه حکمرانی شهری به وسیله طرح‌ها و یقه‌بندی نیز شاخصی برای برنامه‌بریزی است. هر برنامه، بزر یا سیاستمداری می‌داند که وقتی خطوط ترسیم می‌شود، برخوردهایی رخ می‌دهد. خطوطی که این تأثیر را دارند نه تنها در نقشه‌های طرح و یقه‌بندی بلکه حتی در سایت پلان‌ها، طرح‌های حمل و نقل نمودارهای جریان فرایند، و نمودارهای سازمانی نهایان می‌شود. چه کسی برنده و چه کسی بازنده می‌شود، چه کسی پشت میز می‌نشیند و چطور بازی به انجام می‌رسد، سؤالاتی است که با خطوط طراحان تعیین می‌گردد. آیا طراحان به این دلیل از ترسیم خطوط می‌ترسند که از برخورد اجتناب کنند؟ با می‌ترسند که نهایتاً طرح‌ها و یقه‌بندی‌ها، اعتباری را در زمینه مکان صحیح در حیطه شهر باز، شان اجاد کند؟

ایا برنامه ریزی نیاز به طرح دارد؛ یا می تواند بدون طرح، بدون پرسش و بی حفاظا باشد؟ اگر حالت دوم صحیح است، چرا مختصمان را "نامیم و اژه" *ninig plan* را به کلی فراموش نکیم؟ برنامه ریزان طرح ریزان شهری به شهر زندگی می بخشند و قرن هاست که از طرح بهره می گیرند. تنوع در ابزارهای مورد استفاده برنامه ریزان در سال های اخیر، این حرفة را غنی تر کرده است؛ اما برای دستیابی به حداочت کارایی و استفاده از پایه های قانونی مطلوب، لازم است این ابزارها با طرح عمومی نیز ارتباط برقرار کنند. به هر حال طرح است که به برنامه ریزی اطراحی نام می بخشند.